

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه پیش روی خوانندگان ارجمند قرار دارد، سلسله مباحثی است برگرفته از دروس خارج فقه آیت الله رشاد تحت عنوان «فقه زیست فناوری»

اشاره:

جلسه گذشته بعد از بیان اجمالی سه فصل مقدماتی یعنی قواعد نظریه، قواعد اخلاقیه و قواعد فقهیه وارد فصول اصلی فقه مهندسی ژنتیک شدیم.

حدود ۱۵ یا ۱۶ فصل را به عنوان فصول محوری و متن فقه مهندسی ژنتیک مورد بحث قرار خواهیم داد که اولین آن ارتباط مهندسی ژنتیک با تکنولوژی‌ه حیویّه فی المجالات العلمیه است؛ از این باب که احکام کار علمی در زیست فناوری چیست؟ حکم کار علمی و پژوهش و تحقیق در حوزه زیست فناوری علی الإطلاق و قبل از ورود به ابعاد و عرصه‌ها چیست؟

قبل از آنکه به مناهجی که برای تفریع فروع و تفصیل مسائل و نیز تبویب و بنیوه و ساختار بندی همچنین شیوه تخریج و استنباط احکام در این قسم از فقه بپردازیم باید چند پرسش مطرح شود:

- چندگونه کار علمی در ارتباط با تکنولوژی حیوی و زیست فناوری ممکن است انجام داد؟
- انواع و مصادیق اصلی کار علمی در حوزه زیست فناوری کدام است؟
- اجزاء و مراتب فرعی هر یک از این انواع را استقصاء کنیم که چند نوع کار علمی می‌توان انجام داد
- و انواع کارهای علمی دارای چه مراتب طولی هستند؟
- احکام وضعیه‌ای که ذاتاً و به اقتضاء احوال ذاتیه اولیه به آن قسم از کار علمی تعلق می‌گیرد چیست؟ آیا ذاتاً مباح است، جایز است؛ ذاتاً حکم آن چیست؟ جواز، استحباب، وجوب، کراهت، حرمت؛ و نیز به لحاظ احوال عارضه بر هر نوع و هر مرتبه‌ای از هر نوع دارای چه حکمی است؛ مثلاً ذاتاً مباح است اما احوالی بر این فعل علمی در این قلمرو عارض شده است. با لحاظ احکام عارضه، احکام ثانویه معطوف به هر یک از این انواع و مراتب چیست؟ اگر مثلاً ذاتاً مباح است ولی به جهتی مانند «احتمال ضرر» آیا این فعل همچنان مباح است یا بنابر قاعده احتمال ضرر حق ورود نداریم؛ یا از سوی دیگر اگر ذاتاً مباح است اما ادامه حیات بشر در گرو چنین فعالیت‌های علمی باشد و یک ضرورت قلمداد شود آیا همچنان حکم اباحه است یا مرتبه‌ای فراتر از اباحه؛ مثلاً واجب می‌شود؟

تمامی کار علمی در قلمرو زیست فناوری و در هر نوع و مراتب و رتبه آن باید اولاً حکم ذاتی و اولی مورد بحث قرار گیرد که ذاتاً متعلق کدام یک از احکام خمسسه تکلیفیه است؛ یا اگر حکم وضعی هم بر آن مترتب است مشمول کدام حکم وضعی خواهد شد؛ ثانیاً حسب عوارضی که متوجه آن نوع از فعالیت علمی یا آن مرتبه خاص از آن نوع فعالیت علمی می‌شود چه تاثیری دارد و حکم ثانوی حالات و انواع و یا مراتب این انواع چیست.

کشف حکم و مرز حوزه مطالعات زیست فناوری

با توجه به روش‌شناسی باید سوال‌ها را **منقح** کنیم و بگوییم سوال شما چیست. آیا از حکم تصرف و تعدیلات و مطالعه در خلقت برای اکتشاف سنن و اسرار حاکم بر آن علی‌الإطلاق می‌پرسید؟ آیا یک سوال و در یک مستوی است؟ در مستوی ذاتی و در حد مطالعه و تلاش علمی برای کشف سنن و اسرار علی‌الإطلاق؟ (زیرا احتمال می‌دهیم عوامل، عناصر و جهات گوناگونی در حکم فعالیت علمی در قلمرو زیست فناوری دخیل باشد)؛ لهذا اول باید بپرسیم مطلقاً جایز است یا مطلقاً جایز نیست (مطلقاً جایز نیست در برابر این اقسام و وجوهی که خواهیم گفت) یا در قسم خاصی از خلقت می‌توانیم مطالعه کنیم؛ مثلاً می‌توانیم سنن و قوانین حاکم بر حیات و هستی موجودات را مطالعه اکتشافی کنیم و می‌توانیم تنها در قسم خاصی از خلقت مثل جمادات مطالعه کنیم و مورد بررسی قرار دهیم؛ یا فراتر از آن یعنی نباتات یا فراتر از آن یعنی اشجار (اگر اشجار فراتر از نباتات باشند و در یک طبقه نباشند) و یا فراتر از اینها یعنی در حیوانات و یا فراتر از اینها یعنی در انسان.

ممکن است کسی بگوید ما قائل به جواز هستیم ولی فقط در جمادات. شما قوانین و سنن مجعوله الهیه را که اراده تکوینیه الهیه را تشکیل می‌دهد در جمادات مطالعه کنید و هیچ محدودیتی نیست؛ دیگری بگوید ممکن است فراتر نیز پیش رفت و در نباتات هم می‌توان به مطالعه علمی پرداخت و قوانین، قواعد، سنن و اسرار حاکم بر آن را کشف کرد (مثلاً در نوع جماد هم مجاز هستیم ولی در بقیه مجاز نیستیم)؛ و ممکن است دیگری فراتر بگوید که علاوه بر اجازه غوررسی علمی برای کشف قواعد و قوانین و سنن و اسرار خلقت در قلمرو جمادات و نباتات، می‌توانیم وارد عرصه حیوان نیز بشویم و زیست فناوری و شیوه‌های آن را - چون وقتی قوانین و قواعد را کشف می‌کنیم ممکن است فرآیندهای متشکل از این قواعد و قوانین جعلی الهی را تکرار و اعمال کنیم و زیست فناوری اتفاق بیفتد - بگویید علاوه بر جماد، نبات و شجر در قسم حیوان هم مجاز هستیم اما نباید وارد قلمرو خلقت و حیات انسان بشویم؛ دیگری ممکن است بگوید حتی در موضوع انسان هم می‌توان ورود کرد و برای به‌دست‌آوردن قوانین، قواعد، سنن و اسرار موجود در حیات انسان هم کار علمی اکتشافی کرد.

اقسام دیدگاه‌ها در مقام کار اکتشافی علمی:

۱. موضوع

اگر گفته شود ما قائل به جواز مطلق مطالعات در مطلق خلقت و خلائق نیستیم ولی در قسم خاصی از این خلقت مجاز هستیم و در قسم‌های دیگر مجاز نیستیم یا در قسمی مستحب و در قسمی دیگر مکروه است حتی در قسمی مستحب و حتی واجب است ورود کنیم اما در قسم دیگری جایز نیست مثلاً کسی قائل شود ورود در حوزه مطالعات انسانی جایز نیست یا در حوزه مطالعات

زیست‌فناوران و قواعد و قوانین حیاتی حیوان جایز نیست اما در بخش‌های دیگر جایز است؛ یا به عکس بگویید در خصوص کشف قوانین و قواعد حاکم بر حیات انسان واجب است زیرا تداوم حیات، سلامت یا ارتقاء انسان و بهبود زندگی او برای شاداب زندگی کردن و سرزنده بودن در گرو کشف این قواعد و قوانین و کاربرد آنهاست؛ و چون در گرو کاربرد این قوانین است باید این قواعد را کشف کنیم.

۲. روش

چیز دیگری که دخیل است در مقابل اطلاق که گفتیم مطلقاً جایز است یا نه، شیوه غوررسی و مطالعه علمی است. ممکن است به این شیوه می‌توان مطالعات در خلقت کرد و به شیوه دیگر ممکن نیست؛ مثلاً فرض کنید در سلول‌های بنیادین اگر کار علمی در گرو نابودکردن جنین است جایز نیست اما اگر چنین نیست جایز است؛ یا حتی در مرتبه خاص از غوررسی، ژرف‌نگری و ژرف‌کاوی علمی یعنی مرتبه خاصی از ژرف‌کاوی علمی مجاز است و مراتب دیگر جایز نیست؛ یا اینکه تا مراتبی مجاز و بالاتر از آن مجاز نیست؛ مثلاً شما می‌توانید در حد کشف خصوصیات ژن و خصائص ژنوم انسانی علی‌الطلاق وارد مطالعه شوید و حتی برای شناخت خود سلول‌های بنیادین منعی نیست اما برای بررسی اینکه چگونه ممکن است سلول‌های بنیادین را دست‌کاری کرد و تصرفات و تعدیلاتی در آن انجام داد که بعد منتهی شود به اینکه آن کشفیات را در خلق نوعی از انسان به کار بندیم که همانند آوری باشد، دیگر جایز نیست.

۳. اغراض

چیز دیگری که دخیل است **أغراض** است. اینکه شما با چه غرضی کار علمی می‌کنید؛ مثلاً فرض کنید کسی بگوید برای پی‌بردن به اسرار خلقت، عظمت خالق و استحکام عقاید جایز است ولی برای جهت دیگری جایز نیست. ممکن است کسی به ظواهر بعضی از آیات تمسک کند و بگوید جاهایی که آیات به ما اجازه دادند که در کار خلقت ورود کنیم و مطالعه علمی و اکتشافی کنیم به قصد درک عظمت خلقت و بزرگی خالق و تحکیم عقاید است اما اگر این نوع فعالیت‌ها به انگیزه دیگر انجام شود مجاز نیست. در هر حال اگر قائل شویم ژرف‌کاوی برای کشف سنن و اسرار علی‌الطلاق جایز است تکلیف روشن است اما اگر قائل شویم علی‌الطلاق جایز نیست بلکه به قسم خاص یا مرتبه خاصی از ژرف‌کاوی مقید است یا به غرض، غایت و هدفی خاص مقید است و با هر هدفی نمی‌توان این کار را انجام داد باید تفریع فروع کرده و بپرسیم کدام قسم و نوع از خلقت مجاز و کدام مجاز نیست؛ مثلاً به هدف ساخت سلاح بیولوژیک جایز نیست اما به هدف بهسازی حیات و سلامت انسانی جایز است. یا اگر بنا شد شیوه در حکم موثر باشد باید ببینیم کدام شیوه مجاز و کدام مجاز نیست. اگر مرتبه‌ای از کار مطالعه علمی مجاز است باید پرسید کدام مرتبه مجاز و کدام مرتبه مجاز نیست. یا اگر **أغراض** دخیل بود باید بگوییم فعالیت اکتشافی برای کدام اغراض مباح است و برای کدام مباح نیست.

به هر حال احتمالات مختلفی وجود دارد که بر اساس روش‌شناسی‌هایی که عرض شد فعلاً در مرحله مطالعه کلان و مطالعه کلی و بدون ورود در ابعاد و عرصه‌های ۱۰ و ۱۵ گانه است. فعلاً فقط می‌خواهیم مقام کار اکتشافی علمی را بحث کنیم؛ البته چندان نمی‌توان مرزبندی کرد و بعضی از موارد نیازمند به ذکر مثال است و وقتی وارد ذکر مثال می‌شویم نوعاً مثال را از همان عرصه‌ها و ابعاد ۱۰ و ۱۵ گانه‌ای که برشمردیم - و بعداً به خصوص راجع به آنها بحث خواهیم کرد - مربوط می‌شود و از همان عرصه‌ها باید مثال بزنیم؛ ولی فعلاً بنای ما بر این نیست که مثلاً احکام حوزه زراعی - غذایی یا احکام طبی - صحتی یا مثلاً احکام اقتصادی - تجاری

را بگوییم. فصل اول از محورهای اصلی و اولی متن فقهی این قسم و فنّ از فقه عبارت بود از احکام فعالیت علمی در قلمرو زیست فناوری و به همین لایه و مستوا می‌خواهیم اکتفا کنیم.

احکام فعالیت علمی در قلمرو زیست فناوری:

بررسی ادله

اولین مسئله‌ای که مطرح می‌شود و در مستوای پرسش اطلاقی یعنی حکم چنین فعالیتی به طور مطلق چیست (بدون قیود مختلفی که مورد اشاره قرار گرفت؛ آنها هر کدام موضوع یک مسئله می‌شوند و باید بعد از این مبحث جداگانه به بررسی حکم و ادله آنها بپردازیم) جواز ژرف‌کاوی علمی-اکتشافی در خلقت برای صرفاً کشف قوانین و قواعد و سنن و اسرار خلقت و یا عدم جواز چنین عملی.

ما عرض کردیم ادله مختلفی را می‌توان برای بیان جواز مطلق اقامه کرد؛ از کتاب، سنت، عقل و احیاناً می‌توان تقریر و تقریبی فطری هم بهره برد و بسا بتوانیم اجماعی نیز ارائه کنیم که در زمان خودش مشخص خواهد شد.

قرآن

۱. جواز تحقیق و ژرف‌کاوی

گفته شد می‌توان آیات را چند دسته کرد:

یک: آیاتی که علی‌الإطلاق بر جواز دلالت دارد. گفتیم دسته‌ای از آیات هستند که امر به اکتشاف سنن حاکم می‌کند که قرآن می‌فرماید می‌توانید آن قوانین و قواعد حاکم بر عالم مادی و ماده را مطالعه کنید.

- «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَإِنَّ الْآيَةَ صَرِيحَةٌ فِي الْأَمْرِ بِالسَّيْرِ فِي الْأَرْضِ سِيرَ التَّدَبُّرِ وَالتَّجَرُّبِ لِأَنَّ السَّيْرَ فِي الْأَرْضِ غَيْرُ السَّفَرِ وَكَمَا أَنَّ الْآيَةَ نَصٌّ فِي الْأَمْرِ بِالنَّظَرِ إِلَىٰ كَيْفِيَّةِ الْخَلْقِ وَ لَا مَعْنَى لِلنَّظَرِ هَاهُنَا إِلَّا الدَّقَّةَ الْعَقْلِيَّةَ تَارَةً وَ الدَّرَاسَةَ التَّجَرُّبِيَّةَ أُخْرَى» (عنکبوت، ۲۰)

این آیه اولاً صریح در امرکردن به سیر در أرض است. سیر نه از نوع سفر تفریحی و تماشایی بلکه سیر دقّی، تدبّری و تجربی منظور است.

نکته دیگر آیه این است که آیه در امرکردن به دقت در کیفیت خلقت صریح و نص است و دستور می‌دهد که به کیفیت خلقت نظر کنید؛ که این نظر دقّی است و تماشایی و سطحی نیست.

وقتی خداوند متعال می‌فرماید در این هستی و حیات پیچیده نظر کنید، اطلاق دارد و شامل نظر عقلی می‌شود؛ یعنی در هستی، حیات و خلقت نظر عقلی-فلسفی کنید و هم نظر حسی و تجربی که آن هم نظر و اندیشیدن است.

- «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاطُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ» (ملک، ۳)

این آیه خیلی آشکار امر می‌کند که به خلقت الهی بازنگری کن، نگاه دوباره کن، نگاه مکرر کن تا از این رهگذر پی ببری که فطور و تفاوتی در خلقت الهی نیست. آیا این جز اینست که یک نگاه عقلانی، تعقلی، برهانی، فلسفی و یک نگاه تجربی،

مشاهده‌ای و حسی در خلقت کنید؟ این یعنی شما مُجاز هستید بروید قواعد و قوانین را کشف کنید و به سنن و اسراری که در خلقت وجود دارد پی ببرید.

- آیه دیگر که در همین جهت و تقریباً با همین مستوی دلالت بر مقصود دارد آیه معروف «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۵۳) است.

این آیه می‌گوید مطالعه آفاقی کنید و در بیرون وجودتان مطالعه کنید، مطالعه آنفسی بکنید و در درون وجودتان مطالعه کنید. آیا مطالعه آفاق و آنفس بدون تدبّر عقلی ناشی از مشاهده حسی و تجربی موارد، نمونه‌ها و مصادیق ممکن است؟ که ممکن نیست. و اگر ممکن نیست پس بنابراین قرآن دستور به مطالعه علمی اکتشافی برای دستیابی به قواعد و قوانین حاکم و برای اطلاع از اسرار حاکم بر خلقت و موجود در خلقت دارد.

این آیات، دسته اول از آیاتی هستند که بر مقصود یعنی جواز تحقیق و ژرف‌کاوی علمی به اشکال و أنحاء مختلف آن در خلقت ذکر شد و علی‌الإطلاق اجازه می‌دهد و از مجموعه آنها می‌توان این‌گونه استفاده کرد که در حقیقت همه اقسام خلقت مادی می‌تواند در دسترس ژرف‌کاوی‌های اکتشافی علمی قرار گیرد.